



فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم، شماره هجدهم (پاییز و زمستان ۱۴۰۱)

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

محمد رضا محمودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محسن اکبری شاهرودی

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

Rereading the First Principle in Conflicted Narrations with an Approach to the Perspective of Optional

(From the Point of View of Ayatollah Mohammad Javād Fāzel Lankarāni)

Mahdi Ekhlāsi¹

Abstract

Analyzing the conflict (Tazāhom) between narrations (ahādith) is one of the most important and widely used topics that has been discussed in the science of principles. Scholars of the science of principles (Osuliyyun) have pursued the resolution of the conflict between hadiths from two perspectives: the first principle (Ahle Awwali) derived from reason, and the second principle (Ahle thānawi) based on the authority of the solver narrations (Akhhāre 'alājiyeh).

In explanation of the first principle, different opinions have been expressed that "being free (Takhyir) in acting according each of conflicting narrations" is an effort made in order to resolve the conflict between narrations. Due to numerous controversies, this view does not have a place among the Osuliyyun, but a review of the arguments of the theory of optional makes it necessary to read about it.

Therefore, the present article, which is organized with an analytical-ijtihadi method, has tried to present a justified view of this point of view by rereading the arguments and controversies of the view of optional (Takhyir). The obtained results show that by considering the wording absoluteness of the evidence of the validity of the single narration (Khabare Wāhed) and providing a correct explanation of it in relation to the state of conflict, it is possible to defend the theory of optional as the first principle in conflict narrations.

Keywords: Conflicting narrations (Mota'ārezayn), Optional (Takhyir), Arguments of Validity of Narration, stage of Legislation (Maqāme Ja'l), absoluteness (Eblāq), compulsion (Elzām).

1. a scholar at Qom Seminary, a graduate of the Jurisprudence Center of Atthar Imams, (a.s);
ekhlasi.m97@gmail.com

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم، شماره هجدهم (پاییز و زمستان ۱۴۰۱)
تاریخ دریافت، ۱۴۰۱/۰۵/۱۵
تاریخ پذیرش، ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

بازخوانی اصل اولی در متعارضان با رویکردی بر دیدگاه تخییر (از منظر آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی)

مهدی اخلاصی^۱

چکیده

تجزیه و تحلیل تعارض میان مستندات شرعی از مباحث مهم و پرکاربرد است که در علم اصول بدان پرداخته شده است. اصولیون، رفع تعارض میان روایات را از دو منظر اصل اولی به عنوان نگاهی برآمده از عقل، و اصل ثانوی با مرجعیت اخبار علاجیه پی گرفته‌اند. در تبیین راهکار اصل اولی، نگرش‌های متفاوتی بیان شده است که «مخییر بودن مکلف دار عمل به اخبار متعارض» تلاشی است که در راستای رفع تعارض میان روایات ارایه شده است. این دیدگاه به دلیل مناقشات متعدد از جایگاهی در میان اصولیان برخوردار نیست؛ این در حالی است که نگرشی به مستندات دیدگاه تخییر، بازخوانی در خصوص آن را امری ضروری می‌سازد. از این رو، نوشتار حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و با ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای سامان یافته است، با بازخوانی مستندات و مناقشات دیدگاه تخییر، کوشیده است نگاهی موجه از این دیدگاه ارایه دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن اطلاق لفظی ادله اعتبار خبر واحد و ارایه تبیین درستی از آن نسبت به حالت تعارض، می‌توان از دیدگاه تخییر به عنوان اصل اولی در متعارضان دفاع کرد. واژگان کلیدی: اخبار متعارض، ادله اعتبار خبر، اطلاق، التزام، تخییر، مقام جعل.

فقه واجتهاد / بازخوانی اصل اولی در متعارضان با رویکردی بر دیدگاه تخییر

مقدمه

حفظ و استفاده از منابع احکام شرعی از اصول بنیادین در فرایند اجتهاد است؛ از این رو تجزیه و تحلیل تعارض میان مستندات شرعی از مباحث مهم و پرکاربردی است که در علم اصول بدان پرداخته شده است.

این فرایند بدین شکل تبیین شده است که در ابتدا می‌بایست در راستای رفع تنافی میان روایات متعارض با بهره‌مندی از نگاه عرفی تلاش نمود و در صورتی که راهی برای جمع میان روایات متعارض پیدا نشد، این بحث مطرح می‌شود که اصل اولی در مواجهه با این روایات چیست؟ در نگاه بسیاری از اصولیان، «تساقط» مستندات متعارض، مقتضای اصل اولی در مواجهه با تعارض است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۳۸؛ نایینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۵۵)

دیدگاه مخیر بودن میان اخذ به روایات متعارض، دیدگاه دیگری است که در این بین مطرح شده است و البته به دلیل عدم تبیین صحیح، مورد پذیرش قرار نگرفته و دیدگاهی خلاف مشهور اصولیان به حساب می‌آید. بر این اساس، کمتر نوشته‌ای را می‌توان یافت که به طور مستقل به دیدگاه تخییر پرداخته و به دفاع از آن پرداخته باشد. بنابراین نه تنها از پیشینه قابل توجهی برخوردار نبوده؛ بلکه مشاهده روند مواجهه اصولیان با این دیدگاه، حاکی از نوعی پیش‌داوری در برخورد با مستندات آن است؛ این در حالی است که نگرشی بر مستندات این دیدگاه، حکایت از قوت و استحکام آن دارد؛ همان‌گونه که حضرت استاد آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی در مباحث خارج خویش (درس خارج اصول، ۱۳۹۷ش، جلسه ۲۷) بر انعکاس آن همّت گمارده و درصدد است با بازخوانی دیدگاه تخییر، حیاتی نو به آن ببخشد. در این راستا و با توجه به آنکه تحلیل و تثبیت هر نظریه‌ای در دو مقام برهانی کردن اصل دیدگاه و سپس پاسخ به اشکالات بیان‌شده، صورت می‌پذیرد؛ در نوشتار حاضر ابتدا دیدگاه تخییر و مدّعی آن تبیین گردیده، آن‌گاه مناقشات مطرح‌شده، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در پایان، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که مجرای دیدگاه تخییر (همان‌گونه که معتقدان به آن تصریح کرده‌اند) بر لفظی بودن مستند حجیت ادّله خبر بنیان نهاده شده

است؛ چرا که اطلاق در این فضا شکل گرفته و ازگستره و شمول آن می‌توان برای حجیت‌بخشی در حالت تعارض بهره برد.

۱. تبیین اندیشه تخییر در مواجهه با اخبار متعارض

در میان اصولیان نسبت به قاعده اولیه در متعارضان، دیدگاه‌های متعددی مطرح شده است که دیدگاه تخییر از جمله آنهاست. این دیدگاه بر این نگاه استوار گردیده است که ادله لفظی اعتبار خبر واحد که بر حجیت خبر دلالت دارد، مقید نبوده و با اطلاق خویش، حالت تعارض اخبار را نیز در بر می‌گیرند. ره‌آورد این شمولیت، تخییر خواهد بود؛ زیرا جعل و معتبر قلمداد کردن دو خبر متعارض، معنایی جز جواز اخذ به روایات متعارض را به دنبال نخواهد داشت (حائری یزدی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۴۸)؛ چرا که مقتضای اطلاق دلیل حجیت برای تمامی اخبار متعارض، حجیت هر یک از اخبار و لو در ظرف اخذ به روایت دیگر است و بطلان چنین برآیندی واضح است. از این‌رو، اطلاق مذکور به مقدار رفع تنافی مقید می‌گردد و آن اخذ به یکی از روایات متعارض در فرض ترک روایت متعارض دیگر است و این، همان معنای تخییر است (حائری، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۳۶). در نتیجه با مراجعه به عقل می‌توان دریافت که در موارد وجود دو حجّت، نایستی هر دو خبر متعارض را کنار گذاشت؛ بلکه با تمسک به یکی و ترک دیگری می‌بایست در جهت رفع تنافی کوشید. (فاضل‌لنکرانی، ۱۳۹۶ش، جلسه ۳۷)

شایان ذکر است که استفاده تخییر از کیفیت اعتبار حجیت اخبار، بر اساس مدلول لفظی نبوده؛ بلکه با اعتماد بر قراین خارجی صورت می‌پذیرد (همان). بنابراین آنچه اساس بنیان دیدگاه تخییر را تشکیل می‌دهد، مخیر بودن در عمل به یکی از اخبار متعارض است. از قائلان به این دیدگاه می‌توان آیت‌الله شیخ مرتضی حائری در کتاب «مبانی الأحکام» (۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۳۶) و آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی (درس خارج اصول، ۱۳۹۷ش، جلسه ۳۶) را نام برد.

۲. مستندات و مبانی دیدگاه تخییر

برای مستندسازی دیدگاه تخییر لازم است که برخی مبانی مورد تحلیل قرار گیرد:

۲-۱. بررسی گستره مستند حجیت امارات نسبت به صورت تعارض

در وضعیت سنجی اعتبار بخشی ادله حجیت خبر واحد (آیات و روایات) نسبت به اخبار، چند حالت وجود دارد:

۲-۱-۱. مهمل بودن گستره مستندات حجیت خبر واحد

ادله حجیت خبر تنها حجیت بخش خود خبر فی نفسه، بدون در نظر گرفتن حالت تعارض است. این نظر به این معنا نیست که ادله حجیت خبر از ابتدا مقید به عدم لحاظ تعارض است؛ زیرا در این صورت بحث تعارض، منتفی خواهد بود (بحث در تعارض در جایی است که تنافی میان دو خبر حجّت رخ داده است)؛ بلکه معنای عدم لحاظ حالت تعارض آن است که ادله حجیت خبر نگاهی از نظر اطلاق و تقیید نسبت به حالت تعارض ندارند. (حائری یزدی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۴۸)

به بیان دیگر، ادله حجیت خبر واحد نسبت به حالت تعارض خبرها مهمل بوده و تنها در مقام اعطای حجیت فی الجملة برای خبر واحد است که در این صورت دلیلی بر حجیت خبرهای متعارض وجود نخواهد داشت. (امام خمینی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۹)

۲-۱-۲. مقید بودن گستره مستندات حجیت خبر واحد

مفاد حجیت خبر واحد مقید به عدم صورت تعارض است؛ به این معنا که ادله حجیت خبر واحد در مقام اعتبار بخشی به خود خبر است و حالت تعارض را در بر نمی گیرد.

۲-۱-۳. شمولیت گستره مستندات حجیت خبر واحد

در این فرض - که اساس دیدگاه تخییر نیز بر آن بنا شده است - مستندات ادله حجیت خبر شامل حالت تعارض نیز می شود. (حائری یزدی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۴۸)

این شمولیت در نگاه برخی از اصولیان بر اساس اطلاق لحاظی ادله حجیت و در نگاه عده ای دیگر بر اساس اطلاق ذاتی تحلیل شده است. (امام خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۵۲۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷ش، جلسه ۳۶)

بر این اساس، اطلاق ادله حجیت خبر واحد شامل هر فردی از اخبار متعارض می شود و متعارضان در ذیل ادله حجیت خبر واحد از اعتبار برخوردار خواهند بود.

(حائری، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۲۳۶)

در نتیجه با در نظر گرفتن لفظی بودن ادله حجیت خبر، اطلاق ذاتی و لفظی آن به حجیت خبر واحد حکم می‌کند و گستره این حکم نیز حالت تعارض اخبار را در بر می‌گیرد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷ ش، جلسه ۳۶)

۲-۲. فرآیند تخییر از ره آورد ادله اعتبار خبر واحد

با نگرشی بر کتب اصولی می‌توان به دو نگاه در تقریر دیدگاه تخییر دست یافت که در ادامه، بیان می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. دیدگاه تخییر از ره آورد حجیت خبر نامعین

یکی از تقریراتی که در راستای تبیین و تحلیل دیدگاه تخییر مطرح شده است، بهره‌بری از عنوان «غیر معلوم الکذب» بوده که به معنای خبری است که کذب بودن آن معلوم نیست. استدلال با رهیافت این عنوان به این صورت است که مورد حجیت و متعلق آن در برگیرنده خبری است که کذب بودن آن معلوم و مشخص نباشد و چنین عنوانی دارای دو مصداق است:

مصداق اول: خبری است که معین و مشخص بوده و کذب بودن آن معلوم نیست (احتمال صدق در آن وجود دارد).

مصداق دوم: خبری است که به طور نا معین و نا شناخته در میان اخبار متعارض وجود دارد که احتمال صدق آن داده شده و کذب بودنش معلوم نیست.

ادله حجیت شامل این خبر نا معین نیز می‌شود و برآیند این شمول، تخییر در اخذ به یکی از اخبار متعارض است. (حائری، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۲۳۵) شایان ذکر است که اساس این تقریر بر آن بنا شده است که ادله حجیت خبر تنها شامل خبری می‌شود که دارای وصف مذکور است. به بیان دیگر تمامی اخبار متعارض از اعتباری که شارع در مقام جعل به خبر واحد بخشیده است، بهره‌مند نیستند و تنها یکی از اخبار از این قابلیت بهره‌مند است و آن خبری است که کذب بودن آن معلوم نیست و با توجه به عدم تعیین چنین خبری، نتیجه تخییر عملی در مواجهه با اخبار متعارض است؛ چرا که حجیت خبر متعارض بدون عنوان، این قابلیت را داراست

که بر تمامی اخبار منطبق باشد و لو این انطباق با واسطه‌گری مکلف تحقق یابد؛ همان‌گونه که در مواردی مشابه، مانند خصال کفاره می‌بایست یکی از مصادیق به نحو تخییر امثال گردد. (عراقی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۱۷۵)

بررسی و نقد

ادله حجیت خبر واحد که اعتباربخش خبر است، ظهور در آن دارد که متعلق حجیت، هر خبری است که احتمال صدق در مورد آن وجود دارد؛ از این رو انحصار آن تنها به یک خبر، امری خلاف ظاهر است. بنابراین در بحث اخبار متعارض، اطلاق ادله حجیت شامل هر دو خبر متعارض می‌شود؛ بدین معنا که هر خبری با قطع نظر از خبر دیگر، صلاحیت حجت فعلی بودن را داراست و بر اساس همین گستره اعتبار است که عقل در مقام تعیین وظیفه به التزام عملی یکی از اخبار در ظرف ترک خبر دیگر حکم می‌نماید. (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۷ ش، جلسه ۳۸)

۲-۲-۲. دیدگاه تخییر از ره آورد اطلاق دلیل حجیت خبر

تقریر دیگری که در راستای تجزیه و تحلیل دیدگاه تخییر بیان شده، نگاهی است که برآمده از اطلاق ادله اعتبار خبر واحد است. آیت‌الله شیخ مرتضی حائری یزدی در چگونگی تحقق فرایند تخییر می‌نگارد: «از آنجایی که شمول گستره حجیت خبر نسبت به تمامی اخبار متعارض امری باطل است، اطلاقی که در مقام جعل برای حجیت خبر واحد لحاظ شده است، به مقداری که رفع تنافی گردد مقید می‌شود که آن مقدار «اخذ به یکی از اخبار و ترک دیگری است». بنابراین مقتضای دلیل حجیت ادله خبر واحد، اخذ به هر یک از اخبار (به نحو تخییر) در ظرف ترک دیگری است. (حائری یزدی، ۱۴۲۶ ش، ج ۲، ص ۲۳۵)

محقق ایروانی در تبیینی بیشتر می‌افزاید: «تعارض در ظرفی رخ می‌دهد که مفاد اخباری که دارای خصوصیت اعتباری هستند با یکدیگر تنافی پیدا کنند. در این صورت از سویی دلیلی بر انصراف ادله اعتبار خبر نسبت به حالت تعارض وجود ندارد و از سوی دیگر، گستره ادله اعتبار نیز شامل هر دو خبر نمی‌شود و دلیل این عدم شمول نیز در مواردی که تعارض آنها به تناقض یا تضاد است (= تعارض

ذاتی) امری واضح است و نسبت به موارد علم اجمالی (= تعارض عرضی) نیز دلیل عدم شمول آن است که ظاهر ادله اعتبار، احتمال اصابت به واقع از ره آورد حکم به لزوم متابعت از امارات است و با وجود علم به کذب یکی از خبرها نمی توان هر دو اماره را کاشف و طریق به واقع دانست. از این رو باید گفت که ادله اعتبار شامل هر دو خبر نمی شود؛ همان گونه مشکل ترجیح بدون مرجح، مانع از شمولیت ادله اعتبار نسبت به یکی از خبرها به نحو معین می شود. در این میان فرد مردّد نیز گزینه نادرستی است؛ زیرا از افراد عام نبوده و مقتضی برای اعتبار آن وجود ندارد.

محقق ابروانی در پایان می افزاید: با در نظر گرفتن تمامی آنچه بیان شد، خروج یکی از خبرها بدون عنوان و تعین (= خبر معلوم الکذب) قرینه ای خارجی بر بقای خبر دیگر در ذیل گستره ادله اعتبار است که آن خبر نیز نامعین و نامشخص خواهد بود. به طور مثال اگر مولا بگوید: «أكرم الرجلین» سپس اضافه نماید: «لا تکرّم أحدهما» که بیانگر اکرام نکردن یک فرد نامعین است؛ در این صورت این جمله قرینه ای بر وجوب اکرام فردی غیر معین است که نتیجه آن دیدگاه تخییر است. (ابروانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۳۶؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۶)

در نتیجه با پذیرش اطلاق ادله لفظی، هر دو خبر متعارض پوشش داده شده و از حجیت برخوردار می شوند؛ اما عقل در صورت تنافی تصرف در ادله متعارض را به مقداری که رفع تنافی صورت پذیرد، مجاز می داند. برآیند این نگاه عقلی تقیید اطلاق هر خبری به لزوم التزام به همان خبر در ظرف ترک خبر دیگر است. به دیگر سخن، عقل می گوید در عمل به یک طرف ملتزم باش، در صورتی که عمل بر مفاد خبر دیگر را ترک می نمایی. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷ش، جلسه ۳۷) در نهایت با عنایت به آنچه گذشت، دیدگاه تخییر برآمده از اطلاق ادله حجیت خبر تحلیلی درست و برهانی به نظر می رسد.

۳. بررسی و نقد مستندات دیدگاه تخییر

با نگاهی به کتب اصولی می توان به مجموعه ای از مناقشات دست یافت که در ادامه، طرح و مورد بازبینی قرار می گیرند.

۳-۱. قابل التزام نبودن مفاد تخییر

از مناقشات ثبوتی دیدگاه تخییر، مخیر بودن مکلف بین واقع و غیر آن است و چنین لازمه‌ای قابل التزام نیست. توضیح آنکه مصلحت طریقه یا مصلحت جعل (بنابر مبنای طریقت) با مصلحت واقع و همچنین با مصلحت در مؤدی مغایر است و هر چند استیفای مصلحت واقع و یا مصلحت در مؤدی لازم است، اما به دست آوردن مصلحت طریقی، امری لازم به شمار نمی‌رود. دلیل این امر نیز آن است که مصلحت طریقی به خودی خود ارزشی نداشته و مهم رسیدن به مصلحت واقعی است. بر این اساس، مصلحت طریقی نمی‌تواند منشأ تخییر باشد و از همین رو، شارع نیز نمی‌تواند با تکیه بر مصلحت طریقت، حکم به تخییر نموده و مکلف را بین راهی که محصل مصلحت واقعی است و راهی که واقع‌نمایی ندارد، مخیر سازد؛ بلکه مصلحت طریقی تنها به عنوان راهی برای رسیدن به مصلحت واقعی قرار داده شده است. (اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۸۸)

بررسی و نقد

در جواب این اشکال باید گفت که نادرست بودن تخییر بین واقع و غیر واقع که امری مسلم است، در مورد حجت واقعی است و در مواردی که تخییر بین حجت‌های ظاهری تصویر می‌شود، اشکالی پیش نمی‌آید؛ زیرا هر چند شارع اخبار متعارض را ظاهراً حجت قرار می‌دهد؛ ولی ممکن است هیچ کدام مطابق با واقع نباشند، همان‌گونه که در تعارض، این فرض وجود دارد که هر دو مخالف با واقع باشند. علاوه بر این، اشکال محقق اصفهانی بر اساس تخییری است که در غیر مقام عمل تصویر گردد؛ به این معنا که شارع از ابتدای امر مکلف را بین واقع و غیر واقع مخیر سازد و این در حالی است که تخییر مورد بحث، تخییر عملی است که عقل در مقام عمل بین دو حجت ظاهری، مطابق مسلک طریقت به آن حکم می‌نماید و نتیجه آن اخذ عملی به یکی از متعارضان است. (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۷ ش، درس خارج اصول، جلسه ۳۶)

به بیان دیگر، عقل می‌گوید مولا دو حجت ارایه کرده که با یکدیگر تعارض

دارند و از آنجایی که نمی‌توان به هر دو اخذ نمود، اخذ یکی مقید به ترک دیگری، متعین خواهد بود. این معنای تخییر عقلی در مقام عمل است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۲۸)

۳-۲. تنافی اعتبار بخشی مفاد ادله حجیت خبر با مفاد دیدگاه تخییر

از مناقشات اثباتی دیدگاه تخییر آن است که ادله اعتبار خبر واحد، هر خبر واحدی را به صورت تعیینی حجت قرار می‌دهد و چنین فرایندی با حجت‌بودن یکی از خبرها به نحو تخییر (یکی از این دو) ناسازگار خواهد بود. (اصفهانی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۸۸)

بررسی و نقد

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که حجیت تعیینی نسبت به حالتی است که تعارضی میان اخبار رخ نداده است؛ اما در صورت بروز تعارض، خود قرینه‌ای خواهد بود که حجیت تعیینی مد نظر نیست. به بیان دیگر، با وقوع تعارض، از ظهور تعیینی بودن مفاد ادله حجیت خبر رفع ید شده و بدین سان تنافی برطرف می‌گردد و با این مقدار از تصرف در ظهور (به مقدار ضرورت) و از میان بردن وصف تعیین، دلیلی برای حکم به تساقط دو دلیل وجود ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷ش، درس خارج اصول، جلسه ۳۶)

۳-۳. بی‌اثر بودن دیدگاه تخییر

از دیگر اشکالات دیدگاه تخییر، بی‌فایده بودن آن است. میرزای نایینی در این باره می‌نگارد: «اجمال و عدم اراده ظاهر، در هر یک از خبرهای متعارض تنها اثر و فایده دیدگاه تعبّد به صدور متعارضان است. از این رو، تعبّد به صدور کلامی که نتیجه آن اجمال کلام باشد، امری بی‌معناست. (نایینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۵۴)

بررسی و نقد

امام خمینی رحمته‌الله اگرچه خود از مخالفان دیدگاه تخییر است، اما اشکال محقق نایینی را ناوارد دانسته و در مقام دفع آن می‌نگارد: «در صورتی که ادله لفظیه حجیت خبر، نسبت به حالت تعارض از اطلاق برخوردار باشند، مقتضای آن تخییر است.»

ایشان صورت تخییر را در فرض اطلاق لحاظی و ذاتی چنین پی می گیرند: «اطلاق لحاظی همانند آن است که به شمولیت ادله نسبت به حالت تعارض تصریح شود که در این صورت، نتیجه تخییر میان عمل به اخبار متعارض است؛ چرا که در غیر این صورت یا امر به انجام متناقضان شده (عمل به ضدین یا متنافین) که امری محال و باطل است و یا برای توقف، چنین شمولیتی به کار رفته (لحاظ خبرین و حجت کردن آنها جهت تحقق تعارض و سپس اجمال آن) که لغو است. بنابراین برای آنکه کلام حکیم از لغویت و بطلان مصون بماند، باید گفت که از نظر شارع حتی در فرض تعارض نیز امر به عمل به اخبار داده شده است تا به این وسیله تا حد امکان واقع حفظ شود و مقتضای این فرایند به حکم عقل و عقلاء و بر اساس دلالت اقتضا، تخییر است (امام خمینی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۱۲) ولی در صورتی که دلیل اعتبار از اطلاق ذاتی برخوردار باشد، در این صورت نیز نتیجه تخییر خواهد بود؛ زیرا ادله حجیت خبر واحد شامل جمع افراد به نحو عموم است و اطلاق ذاتی نیز مطابق فرض، شامل حالت تعارض می شود و در صورت عدم امکان جمع میان اخبار متعارض یا می بایست عموم ادله حجیت خبر واحد را به غیر صورت تعارض تخصیص زد که نتیجه آن عدم حجیت تمامی اخبار متعارض خواهد بود و یا اطلاق ادله مذکور را مقید ساخت که نتیجه آن وجوب اخذ به یکی از اخبار در هنگام ترک خبر دیگر خواهد بود. از آنجایی که در دوران امر میان تخصیص و تقیید، تقیید اولویت دارد، گزینه صحیح تخییر خواهد بود (همان، ص ۱۱۳).

بنابراین این گفته که وجود اطلاق برای حالت تعارض به دلیل عدم ترتب اثر، محال است؛ کلام درستی نیست.

۳-۴. عدم طریقیّت به واقع در اخبار متعارض

امام خمینی علیه السلام با رد دیدگاه اطلاق لحاظی نسبت به ادله حجیت خبر واحد (۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۲۱) و پذیرش اطلاق ذاتی، معتقد است که برآیند چنین اطلاقی توقف بوده و تخییر جایگاهی ندارد. ایشان نگاه برآمده از تقیید اطلاق ادله را در مورد دو خبر متعارض نپذیرفته و معتقدند: «در مواردی همچون متزاحمین است که با توجه به عدم امکان امتثال، عقل با تقیید اطلاق دلیل، حکم به تخییر می نماید؛ زیرا در باب

متزاحمین دو تکلیف نفسی متوجّه مکلف شده که هر یک دارای متعلقی خاص است و از همین رو، مکلف قادر بر جمع و امثال همگی تکالیف در مقام امثال نیست؛ مرجّحی نیز در این میان وجود ندارد؛ در نهایت عقل به تخییر حکم می‌نماید. اما در بحث تعارض اخبار با رویکرد حجیت طریقی ادّله، مستندی که بیانگر تصدیق عادل است (ادّله حجیت خبر) تکلیفی طریقی را متوجّه مکلف می‌سازد که مرجع آن در لزوم متابعت خبر، کاشفیت از واقع است. بر این اساس، حکم به تخییر میان دو خبر، امری نادرست می‌نماید و در نتیجه عقل حکم به تساقط می‌نماید؛ زیرا کاشفیتی از ورای این دو خبر متعارض رخ نمی‌دهد. بر همین اساس میان دو خبری که کاشفیت هر یک مشروط به عدم عمل به دیگری است، تخییر معنایی ندارد (امام خمینی، ۱۳۹۵ ش، ج ۲، ص ۳۸۰). به عبارت دیگر، بر اساس رویکرد طریقت، عمل به هریک از اخبار متعارض از مطلوبیت ذاتی برخوردار نیست؛ زیرا وجوب عمل بر خبر واحد از باب کاشفیت نسبت به واقع بوده و کشف هر یک از متعارضان نسبت به واقع نامعقول است؛ همان‌گونه که کاشفیت هر یک بر فرض ترک دیگری نادرست است. بنابراین تنها دیدگاهی که صحیح می‌نماید، همان توقّف است (امام خمینی، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۵۲۲).

بررسی و نقد

پذیرش شمولیت اطلاق ادّله اعتبار بخش خبر واحد، نسبت به حالت تعارض میان اخبار، حجّتی ظاهری را در اخذ و عمل به هر یک پدید می‌آورد که نمی‌توان آن را با ملاک واقع سنجید. به بیان دیگر عقل می‌گوید مولا دو حجّت ارایه کرده که با یکدیگر تعارض دارند و از آنجایی که نمی‌توان به هر دو اخذ نمود، اخذ یکی مقیّد به ترک دیگری، متعیّن خواهد بود. این معنای تخییر عقلی در مقام عمل است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ ق، ج ۴، ص ۲۸)

۳-۵. عدم تقدّم تقیید بر تخصیص

اطلاق در صورتی مقدّم بر تخصیص خواهد بود که تعارض ذاتی باشد: (أکرم العلماء و لاتکرم الفساق)؛ زیرا در این صورت، عام صلاحیت بیان‌بودن را داشته و اطلاق در

ناحیه مطلق نمی‌تواند در مقام معارضه با آن در آید؛ اما در صورتی که ذاتی نبوده بلکه از خارج، علم اجمالی بر ورود قیدی بر مطلق یا مخصّصی بر عام قائم شده باشد، مانند محلّ بحث. در این صورت نمی‌توان تقييد را اوّلی از تخصیص به شمار آورد؛ زیرا هر یک صلاحیت احتجاج را داشته و عقل نیز در ترجیح یکی بر دیگری مرجّحی ندارد. بنابراین تخییری در میان نخواهد بود و نتیجه اجمال بوده و در پایان، حکم به توقّف یا تساقط می‌شود. (امام خمینی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۵۲۲)

بررسی و نقد

به نظر می‌رسد این قاعده - که در دوران بین تقييد و تخصیص همچون عام صلاحیت برای قرینیت دارد، پس اطلاق منعقد نمی‌شود و در نتیجه، تقييد اولی از تخصیص است - هم در تعارض ذاتی و هم در تعارض بالعرض جاری است. بنابراین در صورت جریان این قاعده، عام را تقييد زده و نتیجه آن تخییر خواهد بود. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷ش، جلسه ۳۶)

۳-۶ الزامی نبودن اخذ به خبر از ره آورد تقييد دليل اعتبار

منشأ برخی از اشکالاتی که به دیدگاه تخییر وارد شده است، بر مدار «الزامی نپنداشتن» ره آورد تخییر در مواجهه با روایات متعارض است که در ادامه به آنها اشاره می‌نمایم:

۳-۶-۱. حجیت یکی از اخبار و عدم الزام در اخذ به آن از ره آورد تقييد دليل اعتبار خبر

مستشکل معتقد است که از مستندات قائلان به دیدگاه تخییر، بهره‌بری از مقایسه تخییر به دست آمده از روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۲۱) با تخییر حاصل از تقييد دليل اعتبار خبر است که نتیجه آن لزوم عمل بر وفق یکی از اخبار متعارض است و نمی‌توان هر دو روایت متعارض را رها نمود و به هیچ‌یک عمل نکرد و این در حالی است که مقایسه صورت پذیرفته برای جواز ترک یک خبر و لزوم عمل بر روایت دیگر، امری نادرست می‌نماید؛ زیرا دلالت اخبار بر تخییر در فرض تعارض

به معنای لزوم اخذ یکی از متعارضان است؛ به طوری که در صورت ترک اخذ و مخالفت با واقع مؤاخذه می‌شود و این در حالی است که تخییر به دست‌آمده از تقیید دلیل اعتبار تنها گویای حجیت هر یک از متعارضان در صورت اخذ به آن است و دلالتی بر لزوم و وجوب اخذ یکی از متعارضان ندارد. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۸، ص ۴۴۲؛ همو، ۱۳۷۷ق، ج ۴، ص ۴۲۴)

بررسی و نقد

در ارزیابی این اشکال باید گفت که این نگاه نادرست است؛ زیرا در پرتو معنایی که برای تخییر بیان شد (حجیت یکی از اخبار در صورت ترک دیگری) لزوم التزام به خوبی قابل برداشت است؛ چرا که با ترک یکی، عمل به دیگری متعیّن می‌شود. علاوه بر آنکه تقیید دلیل اعتبار نسبت به هر دو طرف، بیانگر لزوم اخذ به یکی از خبرها بوده و مفاد تخییر محلّ بحث به معنای «اعمل بهذا حین ترک الآخر و اعمل بذاک حین ترک العمل بهذا» است. بنابراین معنای دیدگاه تخییر آن نیست که اگر یک روایت را ترک کردی، روایت دیگر در صورت امتثال یا عدم امتثال حجّت باشد. در نتیجه در تخییر، نفس شروع عمل به یکی، سبب ترک دیگری است و این معنا با التزام کاملاً سازگاری دارد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۷ش، درس خارج اصول، جلسه ۳۶)

۲-۳. لزوم تعبّد به متناقضان در دیدگاه تخییر

محقق خویی معتقد است که یکی از اشکالات این دیدگاه، تعبّد به متناقضان است؛ چرا که مقتضای حجیت یک خبر در فرض ترک دیگری؛ حجیت هر دو خبر در فرض ترک اخذ به تمامی اخبار متعارض است. در این راستا ایشان می‌فرماید: تصحیح این اشکال از راه تقیید حجیت به خبری که اخذ گردیده است نیز کارساز نیست؛ زیرا لازمه آن، عدم حجیت اخبار متعارض در فرض ترک تمامی اخبار خواهد بود. ره‌آورد این جواز ترک نیز مطلق‌العنان‌بودن نسبت به واقع است که در چنین فضایی می‌توان با بهره‌گیری از اصل برائت از دایره مکلف‌بودن خارج شد و این در حالی است که قائل به تخییر نیز بدین امر ملتزم نخواهد بود. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۸، ص ۴۴۰)

بررسی و نقد

به نظر می‌رسد اساس اشکال محقق خویی بر این امر بنا شده است که دیدگاه تخییر تنها به معنای حجیت یکی از اخبار در فرض ترک خبر دیگر است؛ بدون آنکه الزامی برای عمل به آن خبر وجود داشته باشد. بر همین اساس، ترک تمامی اخبار متعارض را جایز شمرده و اشکال خویش را بر آن مبتنی ساخته و این در حالی است که وجوب اخذ در دیدگاه تخییر نسبت به یکی از اخبار امری مسلم است.

۳-۷. شرعی بودن تخییر و نبود دلیل بر اعتبار آن

نتیجه حجیت مطلقی که برای خبر واحد جعل شده است تخییری شرعی خواهد بود؛ زیرا تخییر عقلی منحصر به باب تزاحم، تساوی ملاک‌ها و عدم مرجح است. از همین رهگذر، جعل تخییر به عنوان یک مجعول شرعی به دو شکل قابلیت طرح دارد:

۱. به شکل هم‌زمان و با جعل دلیل، حجیت صورت پذیرد، که در این فرض با محذور استعمال لفظ در اکثر از معنا مواجه خواهیم بود (جعل حجیت تعیینی خبر در مورد عدم تعارض به واسطه اصل دلیل و جعل حجیت تخییری به واسطه مقتضای اطلاق دلیل در مورد تعارض) که امری نامقبول است.

۲. تخییر به واسطه دلیل دیگری جعل شود که در این صورت، خلاف صورت فرض شده است؛ زیرا محل کلام در جایی است که مستند دیگری غیر از مستند حجیت اخبار وجود ندارد. (وحید خراسانی، ۱۴۴۰ق، ص ۷۲). بنابراین دیدگاه تخییر قابل التزام نیست.

بررسی و نقد

این تخییر به واسطه نگرش عقل است و منشأ آن اطلاق در مقام جعل است و ارتباطی به مقام امتثال ندارد و همین نگاه، اشکال استعمال لفظ در اکثر از معنا را دفع می‌نماید. از همین رهگذر، آیت الله حائری در کتاب «درر الفوائد» در دفع اشکال نگاشته است: «اشکال استعمال لفظ در اکثر از معنا در دیدگاه تخییر جایی ندارد؛ زیرا استفاده از تخییر به واسطه مدلول لفظی نبوده، بلکه با تکیه بر قراین خارجی صورت می‌پذیرد. (حائری یزدی، ج ۲، ص ۶۴۸) اگر چه ایشان مراد خویش را تبیین ننموده است؛ اما می‌توان

در توضیح آن گفت که در تحقق تخییر، نیازی به جعل شرعی نیست؛ بلکه عقل با در نظر گرفتن فرایند اطلاقی که در مقام جعل شکل گرفته است، حکم به تخییر می‌نماید. بنابراین تخییر به دست‌آمده، محصول حکم عقل در الگوریتمی است که در آن از سویی دو خبر به صورت مطلق (نسبت به حالت تعارض) جعل شده و از سوی دیگر پذیرش اهمال گزاردن برآیند چنین جعلی (تعارض میان اخبار) از سوی شارع ممتنع است (ر.ک: امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۲۱)

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل علم اصول، پرداختن به راه‌هایی برای حل تنافی میان روایات است که در باب تعارض مطرح شده است. اصولیان رفع تعارض میان روایات را از دو منظر اصل اولی به عنوانی نگاهی برآمده از عقل و اصل ثانوی با مرجعیت اخبار علاجیه پی گرفته‌اند. نسبت به راه‌کار اصل اولی، نگاه‌های متفاوتی مطرح شده است که تخییر از جمله آنهاست. این نگاه بر پایه اطلاق لفظی ادله اعتبار خبر بنا شده است و در پرتو همین اطلاقات اعتبار بخش حالت تعارض میان اخبار نیز پوشش داده می‌شود و از آنجایی که هر دو خبر متعارض نمی‌توانند حجت باشند، عقل حکم به تخییر می‌نماید؛ چرا که مقتضای اطلاق دلیل حجیت برای تمامی اخبار متعارض، حجیت هر یک از اخبار و لو در ظرف اخذ به روایت دیگر است و بطلان چنین برآیندی واضح است. از این رو، اطلاق مذکور به حکم عقل به مقدار رفع تنافی مقید می‌گردد و آن اخذ به یکی از روایات متعارض در فرض ترک روایت متعارض دیگر است و این، همان معنای تخییر است. شایان ذکر است همان‌گونه که تبیین شد فایده اطلاق ادله اعتبار، تحقق حجت‌های ظاهری در مقام عمل است. نکته‌ای که در تبیین این دیدگاه مورد تأکید قرار گرفت الزامی بودن مفاد دیدگاه تخییر در اخذ به یکی از روایات متعارض در ظرف ترک خبر دیگر است و از رهگذر چنین فرآیندی، اشکال تعبد به متناقضات نیز جایگاهی نخواهد داشت.

فهرست منابع

۱. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴)، *التعادل و الترجیح*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲. انصاری (شیخ انصاری)، مرتضی (۱۴۲۸)، *فرائد الأصول*، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۳. ایروانی، علی (۱۳۷۰)، *نهایة النهایة فی شرح الکفایة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴. آل سنبل القطیفی، نزار (۱۴۴۰)، *المغنی فی الأصول: التعادل و الترجیح* (تقریرات اصول آیت الله وحید خراسانی)، قم: مدرسه الإمام باقر العلوم علیه السلام.
۵. بروجرودی، محمد تقی (۱۴۱۷)، *نهایة الأفكار (تقریرات اصول آیت الله عراقی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۶. تقوی اشتهااردی، حسین (۱۴۱۸)، *تنقیح الأصول (تقریرات اصول امام خمینی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. حائری یزدی، عبدالکریم (۱۴۱۸)، *دررالفوائد* (طبع جدید)، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۸. حائری، مرتضی (۱۴۲۴)، *مبانی الأحکام فی أصول شرائع الإسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حکیم، عبد الصاحب (بی تا)، *منتقى الأصول (تقریرات اصول آیت الله روحانی)*، قم: دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی.
۱۱. فاضل لنکرانی، محمد جواد (۱۳۹۷)، *درس خارج اصول*.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۰)، *معتمد الأصول (تقریرات اصول امام خمینی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۳. کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۳۷۶)، *فوائد الأصول (تقریرات اصول نایینی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
۱۴. کوکی تبریزی، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، *مبانی استنباط (تقریرات اصول آیت الله خویی)*، نجف: مطبعة الاداب.
۱۵. واعظ حسینی، محمد سرور (۱۴۱۷)، *مصباح الأصول (تقریرات اصول آیت الله خویی)*، قم: مكتبة الداوری.
۱۶. نملة، عبدالکریم بن علی (۱۴۲۰ ق)، *المهذب فی علم اصول الفقه المقارن*، ریاض: مكتبة الرشد.